

در گفت‌وگو با فیروزه عاقبتی کنشگر برگزیده ملی جشنواره الگوهای کنشگری مطرح شد

طلاق

یک متن جدی در حاشیه شهرها

■ حسن فرامرزی

اگر پدیده طلاق و ازدواج از روندهای خشک اداری و سازمانی خارج شود و کنشگرانی در آن ایفای نقش کنند که با نیت خیرخواهی و اثرگذار اجتماعی در جهت ترمیم زخم‌ها و اثرگذاری مثبت بر روندهای اجتماعی و خانوادگی به این عرصه ورود کرده‌اند و روح گرم و مؤثری را به عنوان پشتیبان در کنش‌های خود حی و حاضر کرده‌اند، می‌توانیم امیدوار باشیم شهرهای ما امیدوار تر به حیات اجتماعی خود ادامه دهند و شهروندان این شهرها این حس و برآورد را نداشته باشند که بدون حامی در شهری متفعث طلب و حریص و خودخواه به حال خود رها شده‌اند. گفت‌وگوی ما با فیروزه عاقبتی، کارشناس ارشد الهیات، عضو بسیج حوزه حضرت زکيه شهرستان قدس و از برگزیدگان ملی جشنواره الگوهای کنشگری به ماجرای ورود کنشگران اجتماعی آگاه و دلسوز به حکمیت طلاق و تسهیل ازدواج در شهرستان قدس می‌پردازد.

راهبری ازدواج و طلاق از نهادهای بی‌روح باید به کنشگران اجتماعی دغدغه‌مند

سپرده شود

ما اتفاقاتی افتاده و سلايق و ارزیابی‌های جوان‌ها و خانواده‌ها در این باره متفاوت شده است بنابر این کاری که در این زمینه باید صورت گیرد به موضوعات شناختی اختصاصی دارد.

در زمینه طلاق چطور؟ آنجا چطور مداخله می‌کنید؟

به عنوان مثال امسال در شش‌هفت پرونده مربوط به طلاق در جامعه ورزشکاران شهرستان ورود و با توجه به تمهیدات مشاوره‌ای و کمک‌های صورت گرفته از جدایی زوجین و طلاق جلوگیری کردیم اما هدف ما در این زمینه افزایش آگاهی جامعه است. هر اندازه که آگاهی جامعه در این‌باره افزایش پیدا کند و تبعات و زمینه‌های جدایی زوجین تشریح شود، ما اولاً کمتر دچار این مسئله خواهیم شد و درثانی در صورت وقوع این مسئله با آسیب‌های کمتری آن را مدیریت خواهیم کرد. در این راستا یکی از برنامه‌های ما در این زمینه برگزاری برنامه‌هایی با محوریت طلاق در مدارس بوده است. مشاوران ما به صورت هفتگی در مدارس شهرستان حضور پیدا می‌کنند و به صورت مشخص به نوجوان‌ها و کودکانی توجه می‌کنند که متأسفانه پدر و مادر آنها از هم جدا شده‌اند.
خب این کودکان و نوجوان‌ها، نسبت به همسالان خود شرایط آسیب‌پذیرتری دارند، بنابراین نیاز دارند یاد بگیرند چگونه با شرایط جدید خود را وفق دهند تا کمتر آسیب ببینند. این مداخلات و مشاوره‌ها هم برای دانش‌آموز و هم برای والدینی که درگیر موضوع طلاق شده‌اند، بسیار می‌تواند مفید واقع شود.

می‌توانید به طور مصداقی تر در این‌باره توضیح دهید که چطور به پرونده‌های طلاق دسترسی پیدا می‌کنید و اینکه چه نقصان‌هایی در روند رسیدگی به این پرونده‌ها در پروسه رسمی آن وجود دارد؟

ببینیم ما از طریق نهادهایی که به این منظور اختصاص داده شده به پرونده‌های طلاق دسترسی پیدا می‌کنیم، نکته اینجاست که عموماً در روند معمول اداری پرونده‌ها بدون مشاوره و بدون اینکه واقعاً روی آنها مداخله‌های دلسوزانه و کارشناسی شده باشد مهر و امضا و بسته می‌شود.

تجربه کار ما در این زمینه نشان می‌دهد، متأسفانه گاهی نهادهایی که در این زمینه مسئولیت دارند از وظایف ذاتی خودشان دور می‌شوند، طرف پولی می‌گیرد و خیلی سریع به پروسه طلاق خاتمه می‌دهد در صورتی که اخلاقی و منطقی این است که ما تا جایی که امکان دارد فضایی را در اختیار زوج‌ها قرار دهیم که آنها بتوانند در یک فضای نسبتاً آرام در این‌باره که تصمیم بسیار مهم و اساسی است تأمل کنند. وقتی این فضا ایجاد شود طبیعی است که زوج‌ها نه از سر هیجان که با تأمل در این‌باره تصمیم می‌گیرند. گاهی ما هفت، هشت جلسه مشاوره برگزار می‌کنیم که خوشبختانه اغلب کار ساز می‌افتد.

جلسات رایگان است؟

بله.

در باره محتوای پرونده‌های طلاق بگویید.

شاید باور نکنید گاهی آنچه در این پرونده‌ها مطرح می‌شود بسیار جزئی و حتی غیر قابل باور است. شما تا زمانی که از نزدیک در جریان این پرونده‌ها نباشید شاید باور نکنید، چه مسائل عجیب و دور از ذهنی به روابط زوج‌ها با همدیگر آسیب می‌زند و در نهایت به طلاق می‌انجامد.

مثال می‌زنید؟

پرونده‌ای داشتیم که در آن خانم میانسالیی که فرزندان دانشگاهی داشت، تقاضای طلاق داده بود. ماجرا از این قرار بود

که دوست این خانم به او گفته بود اگر از همسرت طلاق بگیری می‌توانی از مستمری پدرت استفاده کنی. این در حالی بود که این خانم به لحاظ تأمین مالی از سوی همسر، وضعیت بسیار خوبی داشت اما در واقع دچار طمع شده بود.

یعنی واقعاً چنین پرونده‌هایی تشکیل می‌شود؟
بله متأسفانه ما از نزدیک در جریان چنین اتفاقاتی هستیم که از طرز فکرهای ساده حکایت می‌کند. گاهی سطح علل طلاق، چنان سخیف و غیر قابل دفاع است که واقعاً باور نمی‌کنید یک نفر با دو فرزند جوان دانشگاهی، دست به چنین کاری بزند. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که بخش زیادی از این مسائل به فقدان یا ضعف در بلوغ فکری و شخصیتی افراد برمی‌گردد، ما اگر می‌خواهیم شیب طلاق در جامعه را کم کنیم از اهمیت آموزش نباید غفلت کنیم. افرادی که بینش وسیعی به زندگی دارند امکان ندارد زندگی خود را بازیچه حرص کنند.

در واقع سطح فرهنگی و تحلیلی در این‌باره نقش بازی می‌کند؟

بله. متأسفانه در شهر قدس محدوده‌هایی وجود دارد که از نظر فکری و فرهنگی بسیار آسیب‌پذیر هستند، من درباره این شهر نمی‌خواهم قضاوت یک‌دستی داشته باشم. بسیاری از نقاط این



از هر پنج پرونده‌ای که به دست ما می‌رسد به طور معمول سه تا چهار پرونده به نتیجه می‌رسد و خوشبختانه می‌توانیم بگوییم، کارنامه خوبی در حکمیت طلاق داشته‌ایم و نشان می‌دهد اگر کارشناسان پیگیر و دلسوزی سر پرونده‌های طلاق باشند و این پرونده‌ها توجه نشود، بسیاری از آنها یا دست کم بخش قابل توجهی از این پرونده‌ها قابل حل و فصل است



مشاوران ما به صورت هفتگی در مدارس حضور پیدا می‌کنند و به صورت مشخص به نوجوان‌ها و کودکانی توجه می‌کنند که متأسفانه پدر و مادر آنها از هم جدا شده‌اند. این کودکان و نوجوان‌ها، نسبت به همسالان خود شرایط آسیب‌پذیرتری دارند، بنابراین نیاز دارند یاد بگیرند چگونه با شرایط جدید خود را وفق دهند تا کمتر آسیب ببینند. این مداخلات و مشاوره‌ها هم برای دانش‌آموز و هم برای والدینی که درگیر موضوع طلاق شده‌اند، بسیار می‌تواند مفید واقع شود

شهرستان وضعیت قابل داری اما گاهی در برخی مناطق سطح فرهنگی به شدت پایین است و همین سطح فرهنگی نازل، مسائلی را پیش می‌آورد که برای ما قابل درک نیست.

شما اشاره کردید که چهار، پنج سال است درباره پرونده‌های طلاق و حکمیت برای حل آنها با تیم خود فعالیت می‌کنید. عمده‌ترین مواردی که باعث طلاق زوج‌ها در شهرستان قدس می‌شود چیست؟

وقتی ما درباره علل طلاق صحبت می‌کنیم، عمده‌ترین علتی که برشمرده می‌شود مسائل مالی و اقتصادی است. اما شما وقتی وارد قضیه می‌شوید، می‌بینید این‌طور نیست. وقتی در یک خانواده بلوغ فکری وجود داشته باشد، ممکن است که آن خانواده چند ماه یا چند سال دچار بحران اقتصادی شوند اما در نهایت بلوغ فکری اجازه فروپاشی خانواده را نمی‌دهد. بنابر این وقتی کسی می‌گوید به خاطر مشکلات مالی از هم جدا شدیم شما باید با احتیاط بیشتری به این قضیه بپردازید.

از کجا آسیب می‌خوریم؟

در حال حاضر، زوج‌ها معمولاً با یک ذهنیت غیر واقع‌بینانه وارد رابطه می‌شوند، در واقع تصویری از ازدواج، رابطه و مسئولیت زن یا مرد دارند که واقعی نیست. اوج‌گیری فعالیت شبکه‌های اجتماعی در این سال‌ها به ویژه فضاهایی مثل اینستاگرام که تصویر غیرواقعی از زندگی را نشان می‌دهد، باعث شده است فرد با یک ذهنیت تحریف شده وارد ارتباط زوجیت شود.

منظور تان از تصویر غیرواقعی چیست؟

فضاهایی مثل اینستاگرام، از تباطر را بیشتر از زاویه لذت معرفی می‌کنند. شما وارد رابطه می‌شوید و حق دارید از آن لذت ببرید، در صورتی که ازدواج متکی به مسئولیت‌پذیری طرفین است.

رابطه نمی‌تواند همیشه به شما لذت دهد.

بله، فراز و نشیب دارد. در شبکه‌های اجتماعی طوری تبلیغ می‌شود که حق شما این است که فقط لذت ببرید.

وقتی این لذت نباشد از آن رابطه بیرون بیایید.
همین‌طور است. این اشکالی است که در زندگی ما پدید آمده است، چون شبکه‌های اجتماعی به شدت روی این تفکر کار می‌کنند و نوعی عادی‌سازی درباره آن اتفاق افتاده است. مراسم‌هایی مثل جشن طلاق که گاهی تصاویر آن در فضای مجازی به صورت فراگیر پخش می‌شود، نوعی قبح‌زدایی از طلاق است. انگار که ازدواج هیچ حرمتی برای خود ندارد. نوعی بی‌حسی نسبت به این کلمه به وجود آمده است.

مثل اشیای یک بار مصرف یا آن رفتار می‌کنیم.

بله واقعاً اتفاقاتی که در این سال‌ها افتاده باعث شده است که نسل جدید نسبت به حرمت ازدواج و قبح طلاق بی‌اعتنا باشد. نمی‌خواهم بگویم همه لایه‌های اجتماعی ما بسر این منوال هستند اما شما این وضعیت را با نسل گذشته ما مقایسه کنید که عمیقاً بر این باور بود که وقتی طلاق و جدایی اتفاق می‌افتد، عرش خدایه لرزه می‌آید. این سخنان برای نسل جدید ما عجیب و غریب است، او می‌گوید من با منطق خودم می‌خواهم زندگی کنم ولی وقتی جلمی روید به یک اساس یا پایه نمی‌رسید.

چقدر خیانت به مفهوم کلی و خیانت جنسی به صورت مصداقی به عنوان عاملی در طلاق تعیین کننده است؟

بله متأسفانه چنین رویکردهایی به ویژه از جانب آقایان در روابط زوج‌ها دیده می‌شود که گاه منجر به تقاضای طلاق می‌شود اما موضوع اینجاست که وقتی شما با رویکردهای روانشناسی و

کارشناسی جلو می‌روید می‌بینید خود آن خیانت هم معلول نقصان‌های دیگری است. یعنی مثلاً طرف انتظاراتی از یک زندگی مشترک دارد که واقعاً معقول نیست، یا زیاده خواهی‌ها یا نداشتن حس مسئولیت‌پذیری، یا منحصر کردن یک رابطه به لذت جویی.

حکمیت‌هایی که نسبت به پرونده‌های طلاق انجام می‌دهید، چقدر متمر ثمر واقع می‌شود و زوج‌ها را یک بار دیگر به سمت زندگی مشترک می‌برد؟

می‌توانم این را بگویم که از هر پنج پرونده‌ای که به دست ما می‌رسد به طور معمول سه تا چهار پرونده به نتیجه می‌رسد و خوشبختانه می‌توانیم بگویم، کارنامه خوبی در حکمیت طلاق داشته‌ایم و نشان می‌دهد اگر کارشناسان پیگیر و دلسوزی سر پرونده‌های طلاق باشند و صرفاً با رویکرد اداری و از سر باز کنی به این پرونده‌ها توجه نشود، بسیاری از آنها یا دست کم بخش قابل توجهی از این پرونده‌ها قابل حل و فصل است. تجربه ما نشان می‌دهد، متأسفانه رویکرد خشک و مقرراتی و کارمندی حاکم که دست به مهر و امضا در آنجا آماده است و فرد با پرداخت مبلغی می‌تواند در یک شرایط احساسی و هیجانی به طلاق برسد، نمی‌تواند شیب و جریان طلاق و جدایی را کند کند. گاهی هیچ عاطفه‌ای در این روند دیده نمی‌شود و همه چیز حالت روباتیک دارد، پولی گرفته می‌شود و پرونده بسته می‌شود، در صورتی که اساساً رندهایی که در جریان کاستن از آلام مردم و به عنوان یک حلقه در حکمیت طلاق پیش‌بینی و به کار گرفته شد به این خاطر بود که این روندها بتوانند در یک جو دوستانه پرونده را از فضای خشک و مقرراتی خارج کنند و با خانواده‌ها و زوج‌ها مواجهه‌ای گره‌گشا داشته باشند اما این‌طور که به نظر می‌رسد، متأسفانه بخشی از این پیش‌بینی‌ها در ادامه درگیر روندهای اداری و بروکراتیک شده‌اند.

برای تغییر این وضعیت چه باید کرد؟

قرار بر این بود، ما از یکسری ظرفیت پیش‌بینی شده در برخی شوراها استفاده کنیم، تا درصد طلاق در جوی بین مردمی و نه رسمی کاهش پیدا کند اما در عمل طلاق برای این ظرفیت‌های نهادی به یک امر عادی و معمول تبدیل شده است و معمولاً تلاشی نمی‌بینیم که آنها یک کار کارشناسی، عاطفی و خلاقانه در این‌باره صورت دهند. من می‌خواهم در این فرصت پیش آمده به این موضوع اشاره کنم که بچه‌های ما یعنی تیم کنشگر مداخله‌گر بسیجی که میان این دوستان، روانشناسان و مشاوران هم حضور دارند بدون آن که ریالی هزینه بگیرند بدون آن که بودجه‌ای و هزینه‌ای به بیت‌المال تحمیل کنند بر اساس اعتقادات و باورهایشان بر اساس شاخص‌های اخلاقی و انسانی که متأثر از آموزه‌های دینی است که به آن معتقد شده‌اند گاهی تا ۱۵ جلسه مشاوره و مداخله کارشناسی میان زوج‌ها برگزار می‌کنند تا به سهم خود از نهاد خانواده در کشور محافظت کنند چون می‌دانند، برکت این مداخله‌ها و برکت این کنشگری‌ها در زندگی خود آنها هم مؤثر واقع خواهد شد. شما وقتی در این شرایطی که هر کس به دنبال منافع شخصی خود می‌گردد، زخمی از این جامعه را می‌بندید طبیعتاً نشاطی را تجربه می‌کنید که با هیچ لذتی برابری نمی‌کند.

در واقع شما می‌گویید کنشگران بسیجی فراتر از آن چارچوب‌های معمول اداری جلو می‌آیند و افراد جامعه متوجه این تفاوت می‌شود. من خودم را جای آن فردی که می‌خواهد طلاق بگیرد قرار می‌دهم، از اینکه ببینم یک کنشگر کاری می‌کند که شاید برادر و خواهر آدم در جریان گرفتاری‌های روزمره‌اش نکنند، دچار نوعی شوک امیدوارکننده می‌شود که انگار هنوز در جامعه اخلاق و مروت و دستگیری بدون انتظارات و توقعات در آن نمرده است.

دقیقاً همین‌طور است. من نمی‌خواهم بگویم ظرفیت‌های نهادی ما در موضوع کاهش میزان طلاق معیوب، سرد و بی‌روح شده‌اند. مطمئناً انسان‌های شریف، دلسوز و زحمتکشی در همین فضاها هستند که بر اساس اعتقاداتی که دارند خارج از آن سیکل اداری گام‌های مؤثری در جهت حفاظت از زندگی مشترک زوج‌های جوان برمی‌دارند اما خدا را شکر به لطف خداوند کنشگرانی که صاحب دغدغه هستند و هنوز در قنود، مقررات و جریان اداری و حق‌الزحمه و چه و چه حل نشده‌اند، این مداخله‌گری را با شتاب و شیب بالاتری پیش می‌برند و توفیقات بیشتری در این زمینه دارند.

شما در همین گفت‌وگو به این موضوع اشاره کردید که توفیقات تیم‌تان در حکمیت طلاق نسبت به واسطه‌گری برای ازدواج بیشتر بوده است. علت این موضوع را بیان می‌کنید؟

البته ما در زمینه واسطه‌گری برای ازدواج و تسهیل ازدواج زوج‌ها، تشکیل گروه‌های آشنایی و کمک گرفتن از خیرین برای تأمین جهیزیه زوج‌های کم بضاعت گام‌های خوبی برداشته‌ایم اما موضوع اینجاست که به هر حال در ازدواج یکسری مقدمات لازم است که خود زوج‌ها باید به آن نقطه رسید باشند. در شهرستان ما عروس‌هایی هستند که هنوز به خانه بخت نرفته‌اند. خب شما حتی اگر بتوانید جهیزیه این زوج را تأمین کنید، زوج باید بتواند از پس اجاره خانه و هزینه‌های دیگر بر آید. امسال البته با استفاده از ارتباطاتی که با اصناف شهرستان داریم و کمک‌های مردمی و فعالیت خیرین محلی توانستیم زمینه ازدواج چند زوج را در قالب ازدواج آسان فراهم کنیم. خوشبختانه اصناف شهرستان همکاری خوبی در این زمینه با ما دارند و بسته به وسع و صنفی که در آن فعالیت می‌کنند، تالار عروسی و لباس و سایر مایحتاج مربوط به مراسم عروسی را در اختیار ما قرار می‌دهند و البته شهرداری و فرمانداری هم در این زمینه مساعدت‌های لازم را دارند اما به هر حال بحث‌های اقتصادی در این زمینه مهم است. ما شاید از ۱۰ پرونده‌ای که تشکیل می‌شود بتوانیم یک جهیزیه کامل را در اختیار زوج قرار دهیم.

اگر سخنی پایانی دار دارید بفرمایید.

به نظر می‌رسد اگر بخواهیم بر سه حلقه مهم جمعیت، ازدواج و طلاق اثر مثبتی داشته باشیم، نیازمند یک دغدغه ملی و همه‌گیر هستیم که در آن هم کنشگران اجتماعی دلسوز و مجال و میدانی برای کنشگری داشته باشند هم نهادها و سازمان‌های دولتی با درک آسیب‌های مهم مربوط به افزایش سن ازدواج، سیر صعودی طلاق و کاهش جمعیت امکانات خود را در این‌باره بسیج کنند و از طرف دیگر نهادهای غیر دولتی و خیرین، بخشی از خیرخواهی خود را به این سه حلقه مهم معطوف کنند.